

«باسمه تعالی»

دومین همایش انجمنهای اسلامی سراسر کشور

تهران - ۸۱/۱۲/۱۰

جرعه‌ای زلال از بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران
آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
در خصوص انجمن‌های اسلامی

۷۱/۶/۴



معاونت ارتباطات و تبلیغ
اداره کل تشکلهای دینی

جرعه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای
در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی مورخ ۲۱/۶/۴

«... ۱. وقتی تحلیلگران در سرتاسر دنیا مشاهده کردند که در سطح کشور مجموعه‌هایی از عناصر مؤمن و انقلابی به نام انجمن‌های اسلامی تشکیل شده‌اند، متعجب شدند و زبان به تحسین نظام ما گشودند. تشکیل انجمن‌های اسلامی در ادارات حرکت مهمی بود. ادارات دولتی ساخته و پرداخته نظامی (اسلامی) نبود و بر حسب نیازهای جامعه اسلامی بوجود نیامده بود. البته در درون ادارات مردمان خوب و صالح هم بودند، کم هم نبودند اما اساس گزینش نیرو در این ادارات، اسلامی نبود و با معیارهای اسلام کسی را در ادارات راه نداده بودند، در کارخانجات هم که اوایل انقلاب محل امید ضد انقلاب بود که بلکه بتوانند از ناحیه‌ی تولید، جمهوری اسلامی را دچار دردسر و مشکل کنند، انجمن‌های اسلامی زنده، شاداب و فعال حضور دارند، دین در بازار هم که اوایل انقلاب کسانی می‌خواستند از اوضاع سوء استفاده و جیب‌های خودشان را در وضعیت آن روز پر کنند، انجمن‌ها حضور دارند، دیدند در محلات و جاهای دیگر هم انجمن‌های اسلامی حضور دارند. آنها وقتی به اوضاع ایران نگاه کردند و دیدند که سطح جامعه از انجمن‌های اسلامی و نام و عنوان و نشانه‌های آنها پوشیده شده، از توانایی نظام اسلامی متعجب شدند و نظام اسلامی را تحسین کردند و گفتند: عجب! ببینید چطور این نظام اسلامی توانسته در همه جا عناصر خودی و مخلص را جایگزین سابق کند تا بتواند هدف‌های اسلامی خود را در ادارات، کارخانه‌ها، بازار، محله، مدرسه، دانشگاه، شرکتها و جاهای دیگر تحقق ببخشد و از آن هدف‌ها پشتیبانی کند!...»

۲. البته انجمن‌ها خیلی هم مفید واقع شدند و خدمات زیادی کردند. حال سئوالی که در این زمینه مطرح است این است که آیا دوران انجمن‌های اسلامی پایان یافته است؟ آیا اصلاً دوران انجمن‌های اسلامی پایان می‌یابد؟ باید به این سئوال جواب بدهیم. بنده در جواب این سئوال عرض می‌کنم که دوران انجمن‌های اسلامی در نظام جمهوری اسلامی پایان نیافته است. اگر هم فرض کنیم روزی خواهد رسید که در آن روز ما به انجمن‌های اسلامی احتیاج نداشته باشیم، آنروز، امروز نیست. آنروز، روزی است

که ما وقتی به اداره، موسسه، کارگاه و به هر جای دیگر که نگاه کنیم ببینیم آنقدر همه خوب مسلمان و اسلامی شده‌اند و رفتار همه آنقدر عالی شده که دیگر احتیاجی به انجمن اسلامی نیست. نه خطایی انجام می‌شود، نه پای کجی گذشته می‌شود، نه حرف غلطی بر زبانها جاری می‌شود و نه در جایی عناصر بدخواه و بددلی وجود دارند. همه مؤمن، سالم، صادق، مشغول به کار، انقلابی و پر توان و تلاش هستند. آن وقت دیگر همه این اداره، انجمن اسلامی است. اگر چنان روزی پیش آمد خواهیم گفت انجمنهای اسلامی به این شکل دیگر لازم نیست. همه اداره انجمن اسلامی هستند. ولی الان چنین وضعی پیش آمده است؟ آیا در داخل مؤسسات دولتی، کارخانجات، بازار و دیگر دستگاههایی که در آنجا انجمن هست خطا، خلاف، بددلی و غفلت از راه اسلامی نیست که ما بگوییم انجمن اسلامی دیگر لازم نیست؟ جواب ما این است که خیر، انجمن اسلامی لازم است و باید باشد، با قوت هم باید کار بکند و هدفهای اولیه خود را هم تحقق بخشد. امروز، روزی نیست که کسی بگوید ما انجمن اسلامی لازم نداریم. خیر، انجمن اسلامی لازم است. اشخاص نمی‌توانند قضاوت کنند که ما انجمن اسلامی لازم داریم یا نداریم. این نظام است که باید قضاوت کند.

«... ۳. البته سازمان تبلیغات اسلامی هم اساسنامه‌ای تنظیم کرده که تا آنجا که من توانسته‌ام آن را مرور

کنم به نظرم چیز خوبی رسید. انجمنهای اسلامی باید برطبق همین هدفها عمل بکنند...»

«... ۴. سوال دوم این است که ما چه بکنیم که انجمنهای اسلامی حد اعلای فایده و کارایی را داشته

باشند؟ این نکته ظریف و مهمی است و شما برادران و خواهران انجمنهای اسلامی در هر جا که هستید چه در دانشگاه، چه در بازار، چه در اداره چه در کارخانه باید به این نکته توجه کنید. اما چه بکنیم که انجمنها حداکثر کارایی را داشته باشند؟ اولین مطلب این است که باید در مجموعه انجمنها دقت بکنید که عناصر ناشایست وارد آن نشوند. عناصر فرصت طلب، اهل سوءاستفاده، بدخواه و بددلهایی که ظاهراً خوب ولی باطناً بدند همه جا هستند. شما در اول انقلاب ندیدید چه کسانی زیر چه نامها و پوششهایی مخفی شدند و چه ضربه‌هایی به ملت و کشور ایران زدند؟ کاری ندارد که چند نفر آدم اهل سوء استفاده و اهل معامنه و دنیا طلب و بددل بروند و ظاهر خود را درست کنند و همچنان که در تعبیرات امام (رضوان الله علیه) بود ریشی بگذارند و گاهی حتی از جوانهای انقلابی و عناصر مؤمن و مسلمان همیشگی ما خیلی هم تندتر و دو اشته‌تر حرف بزنند بعد در مواقعی که دیدند زمینه مقتضی

است یک کار خلاف بکنند. همه جا اینجور افراد پیدا می‌شوند در لباس ما و به شکل روحانی هم اینجور آدمها پیدا می‌شوند. در بین جوانها هم افرادی با تظاهر به انقلابی‌گری پیدا می‌شوند. این افراد در همه قشرها و در همه جا هستند. پس اول این است که ما مراقب باشیم مجموعه انجمن اسلامی یک مجموعه سالم و خاطر جمع باشد. در او بیگانه نباشد.

دوم اینکه مجموعه انجمن اسلامی را از لحاظ پیش‌اسلامی تغذیه کنیم. عناصری که در آنجا هستند نسبت به مفاهیم و مسائل انقلاب و اسلامی آگاهی پیدا کنند. اینجور نباشد که آدمهای ناآگاه و بی‌اطلاع، به اسم انجمن اسلامی حرفی بزنند که از اسلام نیست و کاری بکنند که با اسلام منافات دارد و زبان بدخواهان را علیه انجمن اسلامی دراز بکنند. این با هدایت و سازماندهی لازمی که قرار بود از سالها پیش سازمان تبلیغات اسلامی انجام بدهد، قابل تأمین است. یعنی انجمنها از لحاظ سطح فکر و عمل باید جلوتر از دیگران باشند. عضو انجمن اسلامی نباید خلاف بگوید؛ غیبت نکند، بدخواه باشد و تحت تأثیر بدخواه قرار بگیرد. عضو انجمن اسلامی باید دلسوز و عاقل باشد و تحت تأثیر بدخواه فرار بگیرد. عضو انجمن اسلامی باید دلسوز و عاقل باشد، این چیزی است که شخصیت و حیثیت انجمنها را بالا می‌برد. مطلب دیگر اینکه مدیران باید با انجمنها همکاری بکنند. مسئولان دستگاههای مختلف باید با انجمنهای اسلامی همکاری و به آنها کمک بکنند. همه باید بدانند که نظام اسلامی فقط یک اسم نیست که بگوییم نظام، اسلامی شد و کافی است. خیر، امروز در دنیا کشورهایی وجود دارد که اسمش اسلامی است ولی از اسلام در آن هیچ خبری نیست. اسمش یا جمهوری اسلامی و یا حکومت اسلامی است ولی اسلام در آنجا نیست. ما باید با آنها فرق داشته باشیم.

«... ۵. جمهوری اسلامی و نظام اسلامی که یک ملت برای آن، این همه زحمت کشیده و فداکاری کرده نظامی است که اسلام در دل و عمل و وجود یکایک افراد آن وجود داشته باشد. اینجور نیست که ما بگوییم نظام اسلامی باشد ولی اداره آن فاسد باشد و رشوه‌گیری در آن رواج داشته باشد و بدخواهی و بددلی در همه جای آن باشد. در آن سوء عمل، بدکاری، بیکاری و تنبلی باشد در عین حال اسمش هم نظام اسلامی باشد، این نظام اسلامی نیست. نظام اسلامی آن است که هر کدام از انسانها در آن هر روز در صدد بهتر کردن خودشان هستند. در نظام اسلامی ما یکی از شعارهای همیشه زنده این است که «من ساوی یوما فهمغبون» اگر امروز من و شما مثل دیروزمان باشد مغبون شده‌ایم و سرمان کلاه رفته

است. امروز باید از هر جهت از جمله جهات معنوی جلوتر از دیروز باشیم. یکی دیگر از شعارهای همیشه زنده در نظام جمهوری اسلامی این است که «هر کسی باید در صدد خودسازی باشد و باید بر گناهان خود گریه کند، از بدیهای خود استغفار و توبه کند، کارهای خوب خود را زیاد و کارهای بد خود را کم کند و هر ارتباط غلطی را تبدیل به ارتباط درست کند».

اگر نظام اسلامی این است، ما نمی‌توانیم قبول بکنیم که در نقطه‌ای از این اداره، بدکاری، بیکاری و شایعه پراکنی وجود داشته باشد. چند نفر در آنجا بنشینند از صبح تا ظهر حقوق دولت را بگیرند و شایعه پراکنی کنند، حرف مفت بزنند، دلسردی و یأس ایجاد کنند و آدمهای خوب را مورد لعن و اهانت و غیره قرار بدهند و در کنار آنها هم یک عده آدم مؤمن مشغول کار باشند. مگر چنین می‌شود؟ آیا این و آن یکسان هستند؟ هرگز چنین چیزی نیست. مدیران باید به این نکته توجه کنند و انجمنهای اسلامی را تقویت بکنند تا بوسیله انجمن‌های اسلامی و با دست قوی و حضور همه جانبه آنها، نشانه‌های بدی و خلاف کم بشود و بعد هم از بین برود و نشانه‌های قوت و معنویت زیاد و همه گیر بشود. پس یک شرط هم این است که برای کارایی انجمنهای اسلامی مدیران با آنها همکاری کنند. نباید ما بشنویم که در یک دستگاهی فلان مدیر، انجمن اسلامی را قبول ندارد و با آنها کار نمی‌کند. مدیر باید بیش از دیگران قدر انجمن اسلامی را بداند چون می‌خواهد محیط کار او خوب باشد تا خوب خدمت کند و خوب شدن محیط کار، بوسیله اسلام و تبلیغات اسلامی و انجمنهای اسلامی است. انجمنهای اسلامی هم در کار مدیریت نباید دخالت بکنند ما که نمی‌خواهیم در یک تشکیلات دو مدیر داشته باشیم. انجمنها نباید مدیر را تضعیف بکنند. البته اگر انجمن اسلامی خلافی را از کسی (چه بالا و چه پایین) دید و فهمید، باید آن را به مراکز می‌کشد که باید به آنها منتقل شود منتقل کند اما درگیر نشود. اینچنین نباشد که حتی مدیر خواست معاونی انتخاب بکند یا رئیس بخشی را بگذارد انجمن اسلامی بگوید: نه، شما نباید در این کار وارد بشوید محیط باید محیط اسلامی بشود، کار اسلامی بشود، روی ذهن افراد باید تاثیر گذاشته بشود، اما مسئولیت تشکیلات با آن مدیر است. او بایستی کار را اداره بکند و انجام بدهد. اینچنین نیست که ما در یک تشکیلات بخواهیم دو مدیر بگماریم. همانطور که عرض کردیم اگر دیدید که مدیر رفتار نادرستی دارد آن را به مراکز خودش منتقل کنید، حال آن مرکز، یا مقام بالاتر است یا مراکز دیگری است که باید مطلع باشند. یک وقت کسی فساد و اختلال در کارها

ایجاد می‌کند و رشوه‌خواری می‌کند و مراجعین را معطل و دلسرد می‌کند. اینها باید شناسایی شوند. بعضی‌ها در بعضی از تشکیلاتهای دولتی هستند که مراجعین را دلسرد می‌کنند. اصلاً کارشان این است. هر کسی به آنجا مراجعه می‌کند وقتی برمی‌گردد نسبت به همه تشکیلات عقده دار خواهد شد. اصلاً کار عده‌ای دشمن و ناراضی درست کردن است. اینها باید شناسایی بشوند. چه کسی می‌تواند اینها را داخل تشکیلات شناسایی و به مراکز مربوطه و مسئولین معرفی بکند که مجازات یا تعقیبشان کنند؟ چه کسی می‌تواند از نفوذ عناصر دشمن در داخل بعضی از تشکیلات ما جلوگیری بکند؟ آن‌ها انجمن‌های اسلامی هستند. (تکبیر حضار).

پس انجمنهای اسلامی چشمی از مرکزیت نظام در همه بخشهای نظام هستند. انجمنها چشم بینا و زبان گویای اسلامی و انقلاب در مناطق مختلف این نظام هستند. زبان گویای اسلام یعنی اینکه باید مفاهیم و تعالیم اسلامی را در فضای محیط کار احیاء کنید. جویری بشود که اسلام در محیط کار حس بشود. نه مثل دوران طاغوت که انسان وقتی می‌رفت در یک محیطی احساس می‌کرد همه چیز در آن ضد اسلام است. به یک مسلمان و آدم متدین که می‌رسند نگاهها از روی بغض، سردی و بی‌اعتنائی است. در سابق، رفتار و پوشش زن‌ها، برخورد مرد‌ها جلالت‌هایی که گاهی بعضی از مرد‌ها و زن‌ها می‌کردند، همه غیر اسلامی بود. نقطه مقابل آن، فضای اسلامی است بطوری که وقتی انسان وارد ادارهای می‌شود ببیند آثار اسلام در همه جای آن پیدا است. وقت ظهر که می‌شود مردم به نماز می‌روند. مراجعه کننده که می‌آید کارکنان با چهره بشاش با او برخورد می‌کنند و کار او را انجام می‌دهند و حدود اسلامی را رعایت می‌کنند زن‌ها با پوشش مناسب می‌آیند. ارتباطات و برخوردهای بین مرد‌ها و زن‌ها در داخل اداره متین و محترم است. این محیط، اسلامی است. شما باید کاری کنید که محیط اینچنینی اسلامی بشود. با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کند مقابله کنید. با گفتار، سخنرانی، بخش جزوات مناسب، تذکرات بجا، امر به معروف و نهی از منکر (که در داخل میز کار و در همه جا وظیفه شماست) و با روشهای دیگر کاری کنید که فضا، اسلامی بشود. هر کسی وارد این اداره، شرکت دولتی یا کارخانه شد احساس بکند اینجا جای مسلمانان است. محیط، اسلامی است این وظیفه شماست و همه موظفند در اجرای این وظیفه به شما کمک کنند. همه اعضای تشکیلات بخصوص مدیریتی که شما با او کار می‌کنید موظفند که به شما در این راه کمک کنند و کارهای شما را

تسهیل کنند. امروز چشم امید ملت‌های مسلمان از جهت تحقق و پیاده کردن اسلام به ملت ماست. ... بخصوص من نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زن‌ها در ادارات تاکید می‌کنم. بعضی مکرر شکوه و گلایه دارند و خانواده‌های شهدا و زنهای مؤمن شکایت می‌کنند. به ما تلفن می‌کنند یا نامه می‌نویسند یا وقتی ما را می‌بینند مکرر از رفتار بعضی از خانمهای جامعه خودمان که مناسب و شایسته شأن زن مسلمان نیست گله می‌کنند. یک بخش عمده این مسئله با اصلاح خانمهایی که در ادارات مشغول کار هستند اصلاح می‌شود. رفتار، لباس، زی و منش بانوان مسلمانی که در ادارات هستند باید اسلامی باشد و شما در این زمینه تکلیف و مسئولیت دارید. البته باید با روش اسلامی و همان شیوه‌ای که اسلام در نهی از منکر دارد عمل شود نه با روشهای غیر اسلامی و خوشنیت‌های نادرست.

به خدای متعال توکل کنید و از خدای متعال بخواهید. وظیفه همه ما در قبال اسلام وظیفه سنگینی است و باید خدای متعال کمک کند.

انشاءالله مشمول ادعیه زاکیه ذات مقدس ولی عصر (ارواحنا لله الفداء) قرار بگیریم. انشاءالله، دعاها و عنایت آن بزرگوار شامل حال ما بشود و ما بتوانیم جزو حزب امام زمان و شیعیان و یاران آن بزرگوار در غیبت و حضورش محسوب بشویم. خداوند انشاءالله روح مقدس امام عزیز را از همه شما راضی و خشنود کند و ارواح طیبه شهدا را با اولیاء و صلحای خود محشور بفرماید و همه شما را موفق و مؤید بدارد.